

# درآمدی بر تصوف و عرفان<sup>۱</sup>

ویلیام چیتیک<sup>۲</sup> که متولد آمریکاست به مدت ۱۲ سال (۱۳۵۷-۱۳۴۵) در ایران به تحصیل و تحقیق پرداخته است. وی در طول تحصیل با اساتید معروفی چون بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همائی و دیگران آشنا شد، اما کار اساسی ایشان با دکتر سیدحسین نصر در موضوع فلسفه و معارف اسلامی بود و پس از تأسیس «انجمن فلسفه» نزد هانری کوربن، توشیهیکو ایزوتسو، سیدجلال الدین آشتیانی و دیگران درس خواند. وی هم‌اکنون در دانشگاه ایالتی نیویورک در شهر استونی بروک<sup>۳</sup> استاد گروه مطالعات تطبیقی ادیان است. چیتیک به زبان فارسی و عربی و متون کلاسیک عرفانی این دو زبان تسلط کامل دارد و آثار ارزشمندی را درباره فلسفه، ادبیات و به ویژه تصوف و عرفان اسلامی منتشر کرده و بی‌تردید برخی از آثار وی - لااقل به زبانهای لاتین - بی‌مانند است. برخی آثار وی عبارت‌اند از:

**عقاید صوفیانه مولانا**،<sup>۴</sup> تصحیح کتاب **نقدالمنصوص فی شرح نقش الفصوص**<sup>۵</sup> جامی به عنوان رساله دکتری، برگزیده آثار ائمه شیعه،<sup>۶</sup> ترجمه لمعات<sup>۷</sup> فخرالدین عراقی، **طریق عشق عارفانه**،<sup>۸</sup> ترجمه صحیفه سجاده<sup>۹</sup> همراه با مقدمه‌ای مفصل، **طریق معرفت عارفانه**،<sup>۱۰</sup> **بینش اسلام**<sup>۱۱</sup> (تلاش مشترک چیتیک و موراتا)، **عوالم خیال**<sup>۱۲</sup> و **تجلی خدا**.<sup>۱۳</sup>

اما درباره اثر عالمانه **درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی** که از آخرین آثار قلمی ویلیام چیتیک است و پس از سالها تجربه و تحقیق و در کمال پختگی عقلی و روحی به رشته تحریر درآمده، باید گفت که در عین اختصار و ایجاز، جامع‌ترین کتاب وی بوده، حاوی زنده‌ترین آثار و افکار وی در زمینه تصوف و عرفان اسلامی است و مسلماً یکی از بهترین آثار تألیف شده در این زمینه به شمار می‌رود. این کتاب در اصل برای کسانی نگاشته شده است که فاقد دانش کافی از اسلام و تصوف هستند؛ با این حال به دلیل شیوه نگارش و فحوای کلام نگارنده و مهارتهای خاص مؤلف، تصویری متقن و محکم از سرچشمه‌ها و شرایط پیدایش و رشد و نضج تصوف و عرفان اسلامی و نیز برخی موضوعات و مضامین عمده و کلیدی آن عرضه می‌کند، به نحوی که می‌تواند برای همگان اعم از عالم و عامی مفید و حاوی نکات تازه و بدیعی باشد. فضل آشکار و وسعت معلومات و مشرب فکری ویلیام چیتیک با مطالعه همین کتاب بر خواننده آشکار می‌شود. مؤلف پس از نگاهی کلی به این سنت، با مهارت و تخصصی در نوع خود کم‌نظیر، اقوال و مطالبی را از لایه‌های انبوه آثار منظوم و منثور برخی اکابر و مشایخ صوفیه از جمله ابن عربی، بهاء‌ولد، مولوی، احمد سمعانی و... استخراج کرده، تصویری شاداب و پویا، از تعالیم و باورهای تصوف و عرفان اسلامی و طرفداران آن ارائه می‌دهد. با توجه به علاقه روزافزون غربیان به تصوف و به لحاظ سردرگمیهای زیاد درباره ماهیت تصوف، سرچشمه‌ها و خاستگاههای آن و باورها و اعمال صوفیان در میان غربیها،

هرچه بیشتر می‌توان به اهمیت ویژه این کتاب پی برد؛ چرا که این اثر در پی یافتن و معرفی حقیقت تصوف - قطع نظر از واژگان مختلفی که بر آن اطلاق کرده‌اند و وجه تسمیه‌ها، اشتقاقها، تعاریف، توصیفات و تفاسیر متعددی که از آن ارائه کرده‌اند - است، بدون اینکه به عارضه اطناب‌گویی و مطول‌نویسی دچار شود و بیشتر تحلیلهای ارائه شده، مبتنی بر متون اصلی و کلاسیک سنت تصوف است. از ویژگیهای مهم این اثر محققانه، این است که برخلاف برخی از مستشرقان که آگاهانه و یا به خاطر پیش‌فرضها و ذهنیتهای قبلی سرچشمه‌ها و منشأهایی خارج از اسلام برای تصوف و عرفان اسلامی قائل می‌شوند، چیتیک تصوف را بخشی جدایی‌ناپذیر و لاینفک از اسلام می‌داند و در جای جای کتاب و به انحاء مختلف، نظر مخالفان را قویاً رد می‌کند. همچنین مؤلف، با بیانی قوی و مستند به متون دینی، و با اشارات و کنایات متعدد، بر جایگاه و اهمیت شریعت صحنه گذاشته، خاطر نشان می‌کند که بدون وفاداری به شریعت و عمل به دستورات آن، نمی‌توان در سیر الی‌الله و در مسیر کمال به پیشرفتی نایل شد. چیتیک جزو گروه محققانی همچون آن ماری شیمل،<sup>۱۴</sup> کارل ارنست،<sup>۱۵</sup> لئونارد لویزون،<sup>۱۶</sup> سیدحسین نصر، فریتیف شوان،<sup>۱۷</sup> مارتین لینگر،<sup>۱۸</sup> ناظم القبرسی و دیگرانی قرار می‌گیرد که معتقدند اصولاً تصوف بدون شریعت، تصوف نیست.

مؤلف در فصل اول با توجه به مفاهیم سه‌گانه «اسلام»، «ایمان» و «احسان» زمینه و چهارچوب اسلامی تصوف را تبیین و تشریح کرده، در فصل دوم در تبیین ماهیت تصوف، آن را روح حیات‌بخش سنت اسلامی دانسته، با اشاره به وجود برخی انحرافات احتمالی تصوف در طول تاریخ و در بعد اجتماعی، خاطر نشان می‌کند که تصوف را باید در چهارچوب وفاداری آن به قرآن، سنت و اجماع علما یا برحسب توانایی آن در عینیت بخشیدن به تمامیت اسلام، ایمان و احسان مورد ارزیابی قرار داد. وی در فصل سوم، رویکرد متمایز تصوف نسبت به دیگر رویکردها و اذواق را شرح می‌دهد. مبحث اساسی فصل چهارم که «پرورش نفس» نام دارد شناخت ناپذیر بودن نفس انسانی است. چیتیک یکی از دلایل محکم و اقناع‌کننده ارسال رسل را ناتوانی انسانها از شناخت نفسهایشان دانسته، اظهار می‌دارد از نظر تصوف، تصور عدم احتیاج به علم نبوی، عیب مهلک جهان مدرن است. نویسنده در فصل پنجم، به اهمیت ذکر خدا در قرآن و حدیث و در سنت تصوف پرداخته، اظهار می‌دارد که ذکر کامل، به معنی عینیت بخشیدن به تمام کمالات نهفته در فطرت انسانی است؛ لذا، صوفیه جوهر و روح تمام اعمال عبادی را ذکر خدا دانسته، تمام تعالیم نظری اسلام را در راستای کمک به برانگیزش ذکر در نفس می‌داند. «طریق عشق»، عنوان فصل ششم است. مؤلف پس از اشاره به تطور تدریجی تصوف از زهد به عشق و محبت و



مبحث حجاب را در نخستین اقوال و آثار صوفیه‌ای همچون ابوبکر کلاباذی، ابوابراهیم بخاری مستملی، هجویری، رشیدالدین میددی و غزالی پیگیری کرده، برای تبیین هرچه بیشتر ماهیت پارادوکسیکال حجاب به آراء نقری و ابن عربی - دو تن از سرشناس‌ترین مؤلفانی که مستقیماً به این مبحث پرداخته‌اند - متوسل می‌شود.

#### پانوشتها:

- 1- William Chittick, **sufism: A Short introduction**, Oxford: Oneworld Publication, 2000.  
ترجمه این اثر با عنوان **درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی** از سوی همین مترجم در دست چاپ است.
- 2- William Chittick.
- 3- Stony Brook.
- 4- **The Sufi Doctrine of Rumi: An Introduction**, Tehran: Aryamehr University, 1974.
- ۵- عبدالرحمن جامی، **نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص**، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات ویلیام چیتیک، تهران، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران، ۱۳۵۶.
- 6- Transl. **A shi'ite Anthology**, ed. Muhammad Husayn Tabatabai. Albany: State University of New York Press / London: Muhammadi Trust of Great Britain Northern Ireland, 1981.
- 7- Transl. with Peter Lamborn Wilson. Divine Flashes / **Fakhruddin Iraqi**, New York: Paulist Press, 1982.
- 8- **The Sufi Path of Love: the Spiritual Teachings of Rumi**. Albany: State University of New York Press, 1983.
- 9- Transl. **The Psalms of Islam. Ali ibnul-Husayn**, Qum: Ansarian Publications, 1983.
- 10 - **The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-Arabi's Metaphysics of Imagination**, Albany: State University of New York Press, 1989.
- 11- Sachiko Murata and William Chittick, **The Vision of Islam**, New York: Paragon House, 1994.  
کتاب حاضر از سوی همین مترجم در دست ترجمه است.
- 12- **Imaginal Worlds: Ibn al-Arabi and the Problem of Religious Diversity**, Albany: State University of New York Press, 1994.
- 13- **The Self-Disclosure of God: Principles of Ibn al-Arabi's Cosmology**, Albany: State University of New York Press, 1998.
- 14 - Annemarie Schimmel.
- 15 - Carl Ernst.
- 16 - Leonard Lewisohn.
- 17- Frithjof Schuon.
- 18 - Martin Lings.

سپس به تأکید بر علم و معرفت، مطالبی چند در تبیین اهمیت عشق و برداشت اساسی تصوف از حقیقت عشق به همان سان که در دو نقطه عطف این سنت - یعنی رومی و ابن عربی - اظهار شده است، در سه بخش «اخلاقیت عشق»، «معشوق حقیقی» و «دین عشق» بیان می‌نماید. عنوان فصل هفتم «رقص بی پایان» است. نویسنده برای تبیین حقیقت رقص، به بررسی آموزه‌های اساسی تصوف درباره اسماء الهی، صورت خدا و طریق کمال انسان پرداخته، جذابیت موسیقی را با توجه به ميثاق است تبیین می‌کند. از نظر اهل سماع، موسیقی زبان رمزی آیات بلیغ و شنیداری خداست و با شنیدن آن، نفس، یاد منزلگاه اولیه‌اش را در ایام است می‌کند؛ یعنی زمانی که قرب به خدا، منزلگاه طبیعی نفس بود. رقص حقیقی نیز رستاخیز شعف‌انگیز نفس باقی پس از فنای نقایص خویش است.

مؤلف، فصل هشتم را که عنوان آن «صور بهجت» است به کتاب **معارف** بهاء‌ولد اختصاص می‌دهد. وی ابتدا مطالبی چند در مورد ویژگیهای خاص **معارف** طرح کرده، با ارائه گزیده‌هایی از این کتاب با عناوین رؤیت خدا، ذکر خدا و تجلی خدا به همراه شرح و تفسیر آنها، آرای بهاء‌ولد را در مورد عالمی که با حضور خداوند، شکوفان است، برمی‌شمارد. فصل نهم به تفسیر احمد سمعانی از داستان «هبوط آدم» اختصاص دارد. یکی از خدمات مهم استاد چیتیک در این کتاب، معرفی و شناساندن کتاب بسیار زیبا و عرفانی **روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح** نوشته عارف بزرگ احمد سمعانی است. داستان هبوط آدم نقش مهمی را در ایجاد پیوند بین فصول کتاب بازی می‌کند. تفسیری که احمد سمعانی از آن ارائه می‌دهد، بسیار جالب است. با اینکه بسیاری از صاحب‌نظران، هبوط را مظهر خشم خدا نسبت به آدم تلقی کرده‌اند، سمعانی ماجرای هبوط آدم را، رحمت حبیة خدا نسبت به انسانها می‌داند. از دیدگاه سمعانی کل ماجرای وجود انسانی و نقشی که بازی می‌کند، در بستر منانیت و رحمت خداوند رخ می‌دهد. آخرین فصل کتاب «پارادوکس حجاب» نام دارد. حجاب، همان وجه است، «همه حجابها، اوست»؛ در عین حال، هیچ یک او نیست. علاوه بر این، هیچ راهی برای یافتن خدا - یعنی هیچ راهی برای مشاهده او - جز از طریق حجاب، که همیشه او (خدا) را نهان خواهد کرد، وجود ندارد. این تمایز و عدم تمایز توأمان، همان پارادوکس موردنظر است. مؤلف